گزارش روز

ریشه گرانی کالاها پشت ماجرای نامه‌نگاری بی‌نتیجه جهاد کشاورزی

بانک مرکزی و وزارت صمت سکوت کردند

● **شرق:** با وجود پیگیری و نامه‌نگاری‌های وزارت جهاد کشاورزی از وزارت صمت و بانک مرکزی، بعد از گذشت هشت ماه نهاده‌های تولید ترخیص نشده است و زمان مناسب کشت محصولات علوفه از دست رفته و حتی به دلیل شرایط بد نگهداری این بذور در انبارهای گمرک، خوراک موش‌ها شده‌اند. درحالی‌که نهاده‌های دامی یا همان کنجاله سویا، ذرت و جو علوفه‌ای به‌عنوان محصول نهایی، به‌راحتی با ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی به کشور وارد می‌شود، اما برای واردات نهاده‌هایی که برای تولید این محصولات در داخل کشور استفاده می‌شود، نه‌تنها ارز دولتی حذف شده است، بلکه به دلیل موانع ایجادشده، امکان ترخیص از گمرک‌ها را ندارند. بخشی از این نهاده‌های تولید حتی از سال گذشته ارز مورد نیاز آنها اختصاص و به طرف خارجی پرداخت شده، اما به دلیل شرایط کرونا امکان واردات آنها به کشور وجود نداشته است. حال برای ترخیص آنها بانک مرکزی درخواست مابه‌التفاوت چندبرابری قیمت اولیه خود نهاده را کرده که به گفته مسئولان وزارت جهاد کشاورزی، واردات آنها با این شرایط و افزایش قیمت تمام‌شده، برای بخش کشاورزی توجیه اقتصادی ندارد. در واقع بخش‌نامه یک‌شبه بانک مرکزی مبنی بر دریافت مابه‌التفاوت از بذوری که در سال گذشته خریداری شده، باعث شد ترخیص نهاده‌های تولید با ارز نیمایی صرفه اقتصادی نداشته باشد و کشاورزان برای تأمین مواد اولیه ازجمله بذر، کود و سم با مشکل مواجه شوند؛ محاسبه قیمت این نهاده‌های تولید با ارز نیمایی عملا باعث افزایش قیمت پنج‌برابری آنها می‌شود. جواد وفابخش، معاون وزیر جهاد کشاورزی در امور زراعت، این موضوع را با ارسال سه نامه جداگانه به همتای خود در معاونت توسعه صنایع تبدیلی و کسب‌وکارهای کشاورزی این وزارتخانه گوشزد کرده و خواهان رفع مشکل و ترخیص این نهاده‌ها قبل از آغاز فصل تولید شده بود. این نامه‌ها یک بار نیز از سوی معاونت توسعه صنایع تبدیلی و کسب‌وکارهای کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی به وزارت صمت تکرار شده، اما آن وزارتخانه این نامه‌ها را بدون پاسخ گذاشت تا آنکه بالاخره مسئولیت ثبت سفارش محصولات کشاورزی به وزارت جهاد کشاورزی بازگشت، اما با وجود این بانک مرکزی هنوز با وزارت جهاد کشاورزی تازه‌مسئولیت‌گرفته نیز همکاری نداشته است. بعد از گذشت دو ماه از آخرین نامه وفابخش، بذر به‌عنوان نهادهای تولید با وجود آغاز فصل زراعی، کماکان در شرایط بدی در گمرک مانده و طعمه باد و باران و خوراک موش‌ها شده است. در نامه اول، وفابخش، معاون امور زراعت وزیر جهاد کشاورزی، به گیلان‌پور، معاون توسعه صنایع تبدیلی و کسب‌وکارهای کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی، اعلام شده که این محموله‌ها با وجود اینکه هزینه (ارز) آن به شرکت‌های خارجی پرداخت شده، به دلیل تعیین مابه‌التفاوت سنگین، از گمرک ترخیص نمی‌شود. وی همچنین پیشنهاد کرده است که تعیین مابه‌التفاوت قطعی چهارهزارو ۸۰۰ تومانی برای هر یورو برای کلیه این کالاها در نظر گرفته شود. معاون وزیر جهاد کشاورزی بعد از ارسال نامه اول، دوباره نامه‌ای دیگری به معاون توسعه صنایع تبدیلی و کسب‌وکارهای کشاورزی می‌نویسد و ضمن تکرار موضوعات اشاره‌شده در نامه قبل، بر اهمیت تولید علوفه در کشور تأکید می‌کند و آن را از برنامه‌های اولویت‌دار این وزارتخانه می‌نامد.

در نامه سوم معاون زراعت وزارت جهاد کشاورزی به معاون توسعه صنایع تبدیلی و کسب‌وکارهای کشاورزی وزارت جهاد اشاره می‌شود که گیلان‌پور به وزارت صمت نامه نوشته و موضوع را پیگیری کرده، اما این بار وزارت صمت پاسخی به این نامه نداده است. معاون زراعت اشاره دارد که با توجه به اتمام فصل کشت و باقی‌ماندن بذرها در گمرک، قوه نامیه و باروری آنها در حال ازدست‌رفتن است و خواهان پیگیری مجدد وی شد. بعد از این عدم همکاری‌های صمت با وزارت جهاد کشاورزی برای ترخیص نهاده‌های تولید باقی‌مانده علوفه در گمرک، این بار نوبت بانک مرکزی است که پاسخی به درخواست وزارت جهاد کشاورزی برای ترخیص این نهاده‌ها نداشته است. گفتنی است با توجه به توافقی که اخیرا میان وزارت جهاد کشاورزی و صمت صورت گرفته، مسئولیت ثبت سفارش واردات نهاده‌های بخش کشاورزی به وزارت متبوع خود بازگشت و وزارت کشاورزی برای ثبت سفارش، نیازی به مراجعه به وزارت صمت ندارد، اما ارتباط مستقیم با بانک مرکزی هنوز برای بخش کشاورزی نتیجه‌ای نداشته است. بنا بر این گزارش، ریشه مشکلات گرانی لبنیات، گوشت و مرغ ناشی از عدم حمایت از تولید داخلی نهاده است. از دلایل افزایش قیمت و گرانی نهاده در سال جهش تولید، تغییر قوانین و حمایت‌نکردن بانک مرکزی و دولت از نهاده‌های کشاورزی از قبیل بذر، سم و کود است.به‌طورکلی ناهماهنگی میان معاونت‌های وزارت جهاد کشاورزی و عدم همکاری وزارتخانه‌های صمت و جهاد کشاورزی و در نهایت ورود و مداخله غیرکارشناسی بانک مرکزی در مسائل تخصصی این وزارتخانه‌ها و حتی ارگان‌هایی مانند گمرک، باعث اختلال در تأمین نهاده‌های کشاورزی (بذر، کود و سم) شده و فشار مضاعفی به کشاورزان و دامداران وارد آورده است که این اقدامات نتیجه خود را در گرانی کالاهای اساسی و مواد غذایی نشان می‌دهد.

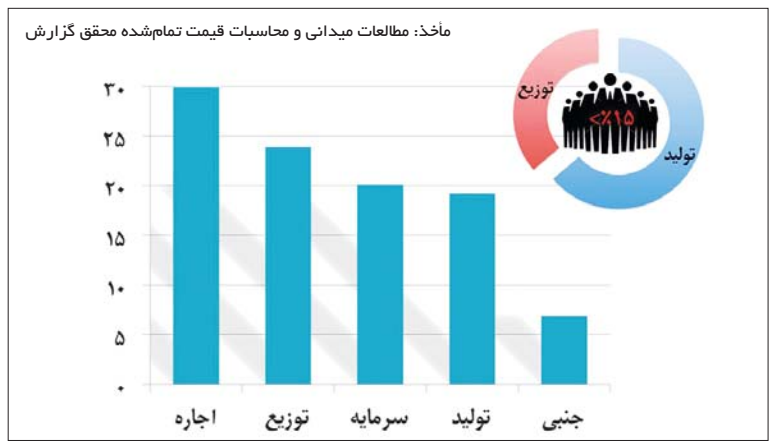

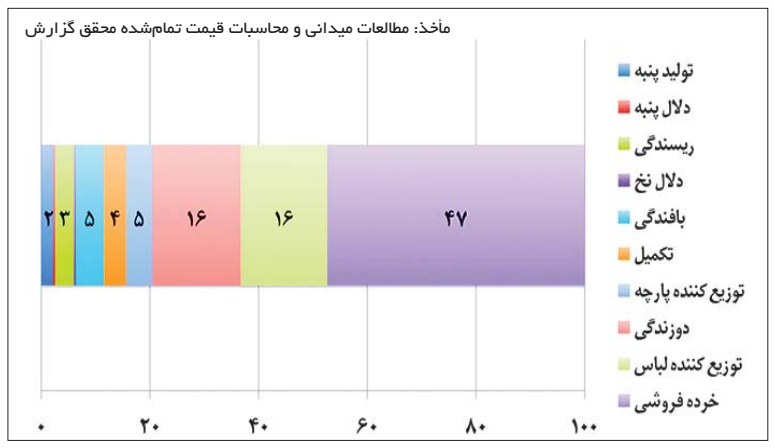

ایران به یکی از بزرگ‌ترین بازارهای قاچاق منسوجات جهان تبدیل شده است

برندهای جعلی در فروشگاه‌های لاکچری

احسان سلطانی: در شرایطی که تولیدکننده داخلی پوشاک در هر مرحله از تولید باید مالیات، مالیات ارزش‌افزوده، حق بیمه و عوارض قانونی دیگر را پرداخت کند و با بسیاری از تضییقات و تحمیلات روبه‌رو است، حجم عظیم کالای قاچاق که حداقل نیمی از بازار داخلی سهم دارد، به سهولت و با کمترین هزینه در سطح کشور توزیع می‌شود. لازم به ذکر است که فقط هزینه حق بیمه کارگر در کشور (بالای ۱۰۰ دلار در ماه) از کل دستمزد کارگر پوشاک در بسیاری از کشورهای آسیایی بالاتر است. شایان ذکر است که سازمان‌های ذی‌ربط درخصوص کنترل قیمت‌ها با فروشندگان پوشاک خارجی هیچ‌گونه برخوردی نداشته و فروشگاه‌های تولیدکنندگان داخلی را مد نظر قرار داده‌اند. بیش از ۹۵ درصد حجم واردات و قاچاق پوشاک کشور با برندهای جعلی صورت می‌گیرد که معضلات ناشی از واردات را دوچندان می‌کند. پوشاک وارداتی جعلی با برندهای مشهور و معتبر از نفوذ در بازار به‌مراتب بالاتری برخوردار بوده و چنانچه دیده می‌شود با کاهش تقاضای مصرف کالاهای داخلی با برندهای کم‌توان، عرضه پوشاک جعلی بیش از واردات به تولید داخلی لطمه زده است. استفاده از وجهه جهانی پوشاک برنددار، قیمت بسیار پایین اقلام جعلی، علاقه عامه مردم و به‌ویژه بانوان و جوانان به برندهای معتبر و مشهور، شبکه توزیع نامتشکل پوشاک کشور و نبود هرگونه کنترل موجب شده تا ایران به یکی از بزرگ‌ترین بازارهای قاچاق منسوجات و پوشاک جعلی در جهان تبدیل شود. این معضل علاوه بر اینکه برخلاف قوانین حاکم بر نظام تجارت بین‌المللی است، وجهه نامطلوبی در سطح جهان را نیز ایجاد می‌کند. فروشگاه‌هایی که اقدام به توزیع پوشاک خارجی برنددار (البته جعلی) می‌کنند، با توجه به حاشیه سود بالا امکان پرداخت اجاره مغازه‌های بالا در خیابان‌های اصلی و بهترین نقاط مراکز فروش را دارند و در نتیجه ضمن محدودکردن عرصه فعالیت برای تولیدکنندگان داخلی، هزینه توزیع را برای آنها بالا می‌برند.

زنجیره عرضه تولیدات نساجی از کشاورزی و چاه‌های نفت شروع شده و به خرده‌فروشی پایان می‌پذیرد. بازار نساجی/پوشاک/کفش ایران با حجم نزدیک به ۲۵۰ هزار میلیارد ریال معادل با ۲۰ میلیارد دلار (۱،۲ درصد از کل جهان)، مهم‌ترین بازار منطقه خاورمیانه و دومین بازار کشورهای اسلامی محسوب می‌شود. وجود طیف جمعیتی مصرف‌کنندگان پوشاک (۴۹-۱۵ ساله) با بیش از ۴۵ میلیون نفر (۷۰ درصد از کل جمعیت) و همچنین مصرف قابل‌ملاحظه منسوجات منزل (از قبیل کفپوش‌ها) از دلایل اهمیت این بازار به شمار می‌رود. بررسی نظام توزیع در صنعت نساجی و پوشاک در دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی نشان می‌دهد واسطه‌ها حدود ۲۲ درصد بر قیمت نهایی مصرف‌کننده می‌افزایند.

زنجیره عرضه نساجی و پوشاک جزء بلندترین زنجیره‌های عرضه صنعتی محسوب می‌شود و ضمن اینکه از نظر اقتصادی، توان صادراتی و ایجاد ارزش‌افزوده و اشتغال‌زایی اهمیت زیادی دارد، عملکرد جمعی و اداره آن در کل مجموعه بسیار مهم و تأثیرگذار است. کشورهایی که توانسته‌اند استراتژی‌ها و برنامه‌های اجرائی مناسب جهت هماهنگی و هم‌افزایی کل زنجیره عرضه را اتخاذ کنند، ضمن رشد و ارتقای صنایع نساجی و پوشاک، از منافع کل زنجیره نیز برخوردار شده‌اند. زنجیره عرضه نساجی کشور از مشکلات ساختاری زیادی رنج می‌برد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از (۱) سهم بالای بخش‌های توزیع و واسطه‌ای از درآمد زنجیره، (۲) عدم مشارکت صنعت در بخش توزیع زنجیره عرضه (مانند خودرو، مواد غذایی و کفپوش‌های نساجی با مالکیت/مدیریت/مشارکت توسط تولیدکنندگان در بخش نهایی توزیع)، (۳) ساختار غیرمدرن، نامتشکل و سنتی بخش توزیع، (۴) کندی جریان مواد/مالی/اطلاعات در طول زنجیره و (۵) طول بلند زنجیره عرضه نساجی کشور و عمق صنعتی بالا که منجر به تشدید معضلات زنجیره شده است. مثالی عملی از جریان مواد و سرمایه در زنجیره ارزش نساجی و پوشاک پیراهن به شرح ذیل است، بر اساس قیمت‌های زمان تحقیق، الیاف پنبه به ارزش ۱۸ هزار ریال پس از طی زنجیره تولید (ریسندگی، بافندگی، رنگرزی و تکمیل و دوزندگی) به یک پیراهن مردانه به قیمت تمام‌شده ۳۰۰ هزار ریال تبدیل می‌شود. هریک از مراحل تولید فوق‌الذکر شامل چندین فرایند متوالی هستند و همه مراحل تولید به‌صورت واحدهای تولیدی جدا یا با یکدیگر (واحدهای ترکیبی) می‌تواند صورت پذیرد. پس از دوخت، پیراهن در عمده‌فروشی (پخش پوشاک) به بهای ۴۴۰ هزار ریال به خرده‌فروش‌های پوشاک (مغازه‌ها و بوتیک‌ها) عرضه شده که در نهایت به قیمت حدود ۸۰۰ هزار ریال به دست مصرف‌کننده نهایی می‌رسد. سهم بالای بخش دلالی و توزیع به افزایش بهای پوشاک و کاهش حاشیه سود تولیدکنندگان منجر می‌شود. در صورت برندینگ و سرمایه‌گذاری در این زمینه، می‌توان سود ۳۰۰ هزارریالی در هر پیراهن را انتظار داشت. تبدیل ۱۸ هزار ریال الیاف پنبه و حداکثر به همین ارزش مواد کمکی و جنبی به لباس آماده به ارزش ۳۰۰ هزار ریال که در خرده‌فروشی به ۸۰۰ هزار ریال می‌رسد، حاکی از توان بالای ایجاد ارزش‌افزوده در عملیات تولید است. عمق بالای صنعت نساجی و تعدد بخش‌های نامولد و واسطه‌ای منجر به کندی عملیات زنجیره عرضه نساجی کشور شده، به‌صورتی‌که از هنگام تولید پنبه تا زمانی که محصول نهایی (پوشاک) به دست مصرف‌کننده برسد، زمان برگشت سرمایه بیش از دو سال به طول می‌انجامد. این معضل ضمن بالابردن هزینه‌ها و زمان برگشت سرمایه طولانی، گردش مواد، جریان مالی و اطلاعات بین بخش‌های تولیدی و بازار مصرف را مختل می‌کند. در صورت مدیریت صحیح زنجیره عرضه نساجی، امکان کاهش زمان کل عملیات زنجیره به کمتر از یک سال میسر است. در حدود ۵۰ درصد کل هزینه تولید پوشاک مربوط به بخش دوزندگی و در حدود یک‌چهارم مربوط به بخش تولید پارچه (بافندگی و تکمیل) است. هنگامی که سهم عوامل تولید و توزیع در زنجیره عرضه در نظر گرفته شود، کمتر از یک‌سوم سهم تولید است. نکته درخور توجه، سهم هزینه بالای محل کار (اجاره‌بهای محل کار عمده‌فروشی و فروشگاه‌های خرده‌فروشی) است که از سهم کل دست‌اندرکاران تولید (تولید پنبه تا پوشاک) بالاتر است. متأسفانه با وجود سرمایه‌گذاری‌های سخت‌افزاری صورت‌گرفته در بخش تولید، بخش توزیع کشور ساختار سنتی و عقب‌مانده خود را کماکان حفظ کرده است. نبود هرگونه برنامه اجرائی و حمایتی جهت مدیریت زنجیره عرضه، منجر به افزایش بهای پوشاک مصرفی مردم و از طرفی تضعیف تولیدکنندگان شده است و در صورت عدم ساماندهی بخش توزیع منسوجات و پوشاک، هیچ‌گاه صنایع نساجی و پوشاک کشور جایگاه واقعی خود را پیدا نخواهند کرد.

سهم عوامل از بهای خرده‌فروشی پوشاک (درصد از کل)

با بررسی و تحلیل عوامل قیمت فروش پوشاک و سهم دریافتی سود یا منافع هر بخش مشخص می‌شود که سهم هزینه محل کار (اجاره) ۴۰ درصد، توزیع و سرمایه هریک در حدود ۲۵ درصد و تولید کمتر از ۱۰ درصد کل منافع زنجیره است. با وجود اینکه بیش از ۹۰ درصد سود یا منافع زنجیره عرضه به بخش‌های غیرمولد (پولی، ملکی و دلالی) اختصاص دارد، از آنها مالیات و عوارض اخذ نشده و فشار آن به بخش تولید انتقال یافته است. زنجیره عرضه بلند و ساختار سنتی صنعت نساجی موجب شده تا چهار حلقه دلالی (الیاف پنبه، نخ، پارچه و پوشاک) در طول زنجیره عرضه شکل بگیرد. وجود این چهار حلقه دلالی زائد که در جهان امروز جایی ندارند، منجر به اختلال در سه جریان مهم سرمایه، مواد و اطلاعات در زنجیره عرضه می‌شود. حلقه‌های زائد دلالی با خصلت انگل‌وار بیش از هزینه‌ای که با حضور خود به زنجیره عرضه تحمیل می‌کنند، موجب ایجاد خسارت می‌شوند. متأسفانه شکل‌گیری حلقه‌های دلالی زائد به وجود شرایط و فرهنگ رانت‌جویی و سودجویی حاکم بر جامعه برمی‌گردد؛ چنانچه هم‌اکنون که شرکت‌های بزرگ و مدرن پتروشیمی در کشور ایجاد شده، دلال‌های مواد پتروشیمی عرصه را بر تولیدکنندگان تنگ کرده‌اند. معضل کلی اقتصاد کشور تقدم سرمایه مالی (پولی و ملکی) بر سرمایه نیروی انسانی (تولید و نوآوری) است. سرمایه‌گذاری تجاری (پولی و ملکی) چندین برابر سرمایه‌گذاری تولیدی (امکانات و تجهیزات تولیدی) نرخ برگشت سرمایه و سودآوری را داراست.

سهم بخش‌ها از بهای خرده‌فروشی پوشاک (درصد از کل)

هزینه‌های بالای سرمایه، اجاره و بخش توزیع (به‌ویژه بخش نامولد) موجب شده تا سهم بخش‌های مولد (تولید الیاف، ریسندگی، بافندگی، تکمیل و تولید پوشاک) در ایران نسبت به جهان پایین‌تر باشد. با وجود اینکه بخش توزیع در ایران، خدمات ارزش‌افزوده (طراحی، توسعه محصول، عرضه، بازاریابی، برندینگ، توزیع، خدمات مشتریان چنانچه در کشورهای توسعه‌یافته متداول است) را ارائه نمی‌کند، سهم بالاتری از درآمدهای فروش را دریافت می‌کند. تولید پوشاک کشور در صورت حذف هزینه‌های نامولد (اجاره، توزیع و سرمایه) قادر به رقابت با پوشاک خارجی است. سهم هزینه محل فروشگاه خرده‌فروشی پوشاک از کل فروش بنا بر دلایل زیر در ایران بالاست: - هزینه اجاره فروشگاهی در ایران به‌مراتب بیش از کشورهای دیگر است. - قراردادهای اجاره یک‌طرفه است و هیچ‌گونه اجاره‌نامه یا قراردادی نیز در اختیار مستأجر قرار نمی‌گیرد. - همه مالیات و عوارض اجاره‌بها از مستأجر اخذ می‌شود و مالک هیچ‌گونه تعهدی در برابر هیچ هزینه‌ای ندارد. - قراردادهای اجاره یک‌ساله است. - درباره فروشگاه‌های با موقعیت خوب، همه اجاره‌بها یک‌جا در زمان تحویل ملک دریافت می‌شود. - عرف اجاره‌بها معمولا بر اساس رهن یک‌پنجم ارزش ملک است. برای مثال، اگر یک ملک ۱۰ میلیارد ریال ارزش داشته باشد، رهن آن دو میلیارد ریال خواهد بود که بر اساس درخواست مالک یا توافق، همه یا بخشی از آن به اجاره ماهانه (با نرخ سه درصد) تبدیل می‌شود.

در مجموع، هزینه‌های راه‌اندازی و اداره فروشگاه خرده‌فروشی پوشاک در حدی زیاد است که ایجاد بخش توزیع را برای اغلب برندها و تولیدکنندگان پوشاک داخلی غیرممکن کرده یا آنها به سختی (و حتی زیان) فروشگاه‌داری را جهت ترویج برند خود ادامه می‌دهند.

در همین حال، شرایط و هزینه اجاره فروشگاه‌های خیابان اصلی و مراکز فروش در جهان به‌مراتب مطلوب‌تر از ایران است. در کشورهای دیگر مدت‌زمان اجاره در حدود پنج تا ۱۰ سال است. در بعضی کشورها زمانی (بدون اجاره) برای راه‌اندازی در نظر گرفته می‌شود. در بعضی قراردادها اجاره ثابت و درصدی از فروش اخذ می‌شود. مبلغ اجاره در بعضی از مناطق بسیار مرغوب کشورهای دیگر بالاست که باید توجه داشت آنها عرضه‌کننده پوشاک برنددار لوکس بوده و بهای واحد و حجم کل فروش آنها چندین برابر است. در مجموع هزینه فروشگاهی (نسبت ارزش فروش به کل هزینه فروشگاه) ایران بیش از دو برابر متوسط جهانی است؛ آن‌هم در شرایطی که سهم هزینه‌های نگهداری، انرژی و نیروی انسانی از کل هزینه‌های فروشگاهی در کشورهای دیگر بالاتر از ایران است.

سهم هزینه فروشگاه از کل حجم فروش پوشاک (درصد از کل)

روند افزایش بی‌رویه و نامتعارف بهای مسکن تأثیرات مخرب و مضاعف خود را با افزایش به‌مراتب بیشتر هزینه عرضه (خرید یا اجاره) محل کسب کار اداری و تجاری، روی فعالیت بخش‌های خدماتی، تجاری و تولیدی بر جای گذاشته است. هم‌اکنون بخش مهمی از بهای فروش کالا در خرده‌فروشی مربوط به هزینه اجاره‌بها می‌شود. برای مثال در بخش تولید و عرضه پوشاک، در شرایطی که سهم جمعی نیروی کار (از تولید پنبه تا نساجی و خرده‌فروشی) از کل بهای فروش کمتر از ۱۵ درصد است، سهم هزینه اجاره‌بها در حدود متوسط ۳۰ درصد محاسبه می‌شود. در مقایسه با دیگر کشورهای جهان، سهم هزینه فروشگاه در ایران بین دو تا چهار برابر است. رقابت بانک‌ها برای تصاحب بهترین موقعیت‌های ملکی در خیابان‌های اصلی شهرها، موجب شده تا بهای این املاک و همچنین اجاره‌بهای آنها به میزان بسیار بالاتری نسبت به املاک مسکونی بالا رود.

در شرایطی که صاحبان املاک تجاری بدون هیچ‌گونه کار یا تلاش بخش اعظم منافع زنجیره عرضه تولیدات را به خود اختصاص داده‌اند، پرداخت کل عوارض و مالیات برعهده بخش تولید است. در سطح جهان خیابان‌های اصلی محل خرید و اوقات فراغت مردم (فروشگاه‌های پوشاک، اغذیه‌فروشی‌ها و...) و همچنین گردشگری (توریست‌ها) است؛ اما در ایران خیابان‌های اصلی و محل‌های مرغوب را بانک‌ها تصاحب کرده‌اند. درحال‌حاضر شبکه بانکی با تعداد زیاد و نامتعارف شعب بانکی رقیب بخش خرده‌فروشی شده و هزینه‌های عرضه محل کسب‌وکار را به‌شدت بالا برده است. بالارفتن اجاره‌بها در خیابان‌های اصلی، همچنین موجب بالارفتن اجاره‌ها در دیگر نقاط شده و روی هزینه عرضه املاک اداری و تجاری نیز اثرگذار بوده است.

ادامه در صفحه ۸

بازتاب

موضوع عدم دریافت آبونمان به شرکت‌های برق ابلاغ شده است

● شرکت توانیر در واکنش به گزارش تفریغ بودجه سال ۹۷ سازمان بازرسی کل کشور که توسط «شرق» منتشر شده بود، پاسخی ارسال کرده است. در متن این پاسخ آمده است که موضوع عدم دریافت آبونمان در سال ۹۷ به شرکت‌های برق منطقه‌ای ابلاغ شده است. در جوابیه شرکت توانیر آمده است: پیرو درج مطلبی با عنوان گزارش «توزیع بودجه ۹۷» در مورخ ۱۷ آذرماه آن روزنامه، پاسخ ذیل حضورتان ارسال می‌شود. بر اساس قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، عوارض برق از مشترکان مشمول دریافت و تمامی آن صرف پروژه‌های بهسازی شبکه‌های برق روستایی و توسعه انرژی‌های نو می‌شود. در بهمن سال ۹۸ پس از بررسی و جمع‌بندی حسابرس محترم دیوان محاسبات کل کشور، موضوع عدم دریافت عوارض برق از آبونمان در سال ۱۳۹۷ به کلیه شرکت‌های توزیع نیروی برق ابلاغ شد. از ابتدای سال ۱۳۸۰ به بعد نیز مطابق نظر دیوان محاسبات کل کشور، آبونمان از بهای برق کسر می‌شود و رقم حاصله مبنای محاسبه عوارض برق قرار می‌گیرد.

خبر

احتمال افزایش ۴۰ درصدی حقوق کارگران

● رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران معتقد است حتی اگر حقوق کارگران در سال آینده صد درصد هم افزایش یابد، جوابگوی هزینه‌های معیشت خانوارهای کارگری نیست.

ناصر چمنی در گفت‌وگو با ایسنا، درباره احتمال افزایش ۴۰درصدی حقوق کارگران در سال آینده و تلاش برخی نمایندگان برای این منظور گفت: معتقدم حتی اگر صد درصد هم حقوق کارگران افزایش یابد، با شرایط موجود اقتصاد کفاف هزینه‌های معیشت کارگران را نمی‌دهد. با توجه به نظر مرکز پژوهش‌های مجلس که خط فقر را رسما ۱۰ میلیون تومان اعلام کرده است، دریافتی دومیلیون و ۸۰۰ هزار تومانی کارگران فاصله زیادی با هزینه‌های واقعی خانوارهای کارگری دارد.